

عیسی از مردگان برمی خیزد - لوقا ۲۳: ۵۰ - ۵۶؛ ۲۴: ۱ - ۱۶

## ارتباط

برای امروز از چه چیزی ممنونی؟

این هفته گذشته کار خدا را در زندگی خود چگونه دیده اید؟

چه مشکلاتی را در زندگی تجربه می کنید؟ چطور میتوانیم کمک کنیم؟

کشف جلسه گذشته را چگونه به کار بردید؟ چی شد؟

کشف آخرین جلسه را با چه کسی در میان گذاشتید؟ پاسخ آنها چه بود؟

**دستورالعمل:** لطفاً از مراحل زیر برای راهنمایی شما برای کشف حقیقت خدا در بخش زیر استفاده کنید

## کشف کردن

**گام یک -** شرکت کنندگان به نوبت بخش های متن را می خوانند

**گام دوم -** یک نفر کل متن را با صدای بلند می خواند در حالی که دیگران گوش می دهند

**گام سوم -** یک شرکت کننده قسمت را با کلمات خود بازگو می کند

عیسی از مردگان بر می خیزد - لوقا ۲۳: ۵۰ - ۵۶

در آنجا مردی به نام یوسف حضور داشت که یکی از اعضای شورای یهود بود. او مردی نیکنام و درستکار بود ۵۱. یوسف به تصمیم شورا و کاری که در پیش گرفته بودند رأی مخالف داده بود. او از اهالی یک شهر یهودی به نام رامه بود و از آن کسانی بود که در انتظار پادشاهی خدا به سر م بیردند ۵۲. این مرد در این موقع نزد پیلاتس رفت و جنازه عیسی را خواست ۵۳. سپس آن را پایین آورد و در کتان لطیف پیچید و در مقبره‌های که از سنگ تراشیده شده بود و پیش از آن کسی را در آن نگذاشته بودند قرار داد ۵۴. آن روز، روز تدارک بود و روز سبت از آن ساعت شروع میشد ۵۵. زنانی که از جلیل همراه عیسی آمده بودند به دنبال یوسف رفتند. آنها مقبره و طرز تدفین او را دیدند ۵۶. سپس به خانه رفتند و حنوط و عطریات تهیه کردند و در روز سبت طبق دستور شریعت استراحت نمودند

عیسی از مردگان بر می خیزد - لوقا ۲۴: ۱ - ۱۶

در روز اول هفته (یکشنبه صبح خیلی زود سر قبر آمدند و حنوطی را که تهیه کرده بودند، با خود آوردند ۲. آنها دیدند که سنگ از در مقبره به کنار غلطانیده شده ۳ و وقتی به داخل رفتند، از جسد عیسی اثری نبود ۴. حیران در آنجا ایستاده بودند که ناگهان دو مرد با لباسهای نورانی در کنار آنان قرار گرفتند ۵. زنها وحشت کردند و درحالیکه سرهای خود را به زیر

انداخته بودند ایستادند. آن دو مرد گفتند « چرا زنده را در میان مردگان میجوید؟ ۶ او اینجا نیست بلکه زنده شده است. آنچه را که در موقع اقامت خود در جلیل به شما گفت، بهیاد بیاورید ۷ که چطور پسر انسان میبایست به دست خطاکاران تسلیم گردد و مصلوب شود و در روز سوم قیام کند ۸. آن وقت زنها سخنان او را ب هخاطر آوردند ۹ و وقتی از سر قبر برگشتند تمام موضوع را به یازده حواری و دیگران گزارش دادند ۱۰. آن زنها عبارت بودند از مریم مجدلیه و یونا و مریم مادر یعقوب. زنهای دیگر هم که با آنان بودند، جریان را به رسولان گفتند ۱۱. اما موضوع به نظر آنان مُهمَل و بیمعنی آمد و سخنان آنان را باور نمیکردند ۱۲ اما پطرس برخاست و به سوی قبر دوید و خم شده نگاه کرد، ولی چیزی جز کفن ندید. سپس درحالیکه از این اتفاق در حیرت بود، به خانه برگشت ۱۳. همان روز دو نفر از آنان به سوی دهکدهای به نام عمواس که تقریباً در دوازده کیلومتری اورشلیم واقع شده است میرفتند ۱۴. آن دو درباره همه این اتفاقات گفتگو میکردند. ۱۵ همینطور که سرگرم صحبت و مباحثه با یکدیگر بودند، خود عیسی سر رسید و با آنان همراه شد. ۱۶ اما چیزی جلوی چشمان آنها را گرفت، به طوری که او را نشناختند

### بپرسید/پاسخ دهی د

در این قسمت چه می بینید؟

این برای شما چه معنی می دهد؟

چه چیزی را در این قسمت دوست دارید/نمی پسندید؟

چگونه این قسمت دیدگاه شما را نسبت به خدا/مردم تغییر می دهد؟

پاسخ: اگر این درست است... انوقت

چگونه باید روش زندگی شما را تغییر دهد؟

کشف امروز را با چه کسی به اشتراک خواهید گذاشت؟

### خاتمه دادن

تصمیم بگیرید که چه زمانی گروه دوباره ملاقات خواهد کرد و با دعا ببندید